

## به پاسداری از کفدراسیون

خیانت ها و جنایات و فساد رژیم شاه، در فاع از ما بزرگات بودهای مردم میهن ما بخاطر آزادی و استقلال دینیشناسی از جنبش های رهایی بخش خلق های انقلابی سراسر جهان است. آنچنان عیان است که نیازی به بیان نیست. به همین مناسبت - و درست به همین مناسبت - به شهادت صفحات ما هماغه "توقان" سازمان ما هیچگاه در پشتیبانی از کفدراسیون، در فاع از آن در برابر حملات دشمنان، در توسعه و تقویت آن تصور نوزید است. در شرایطی که فشار و اختناق در ایران بیدار میکند، در شرایطی که شاه توکراتش باد روضها و عواطفی های خون میگویند افکار عمومی جهانیان را در مورد وضع ایران به گمراهی بکشاند، کفدراسیون دانشجویان ایرانی که در خارج از کشور هنوز هم از آزادی نسبی برخوردار است و بمنزله صدای رسای مردم میهن ما است که در سراسر جهان طنین می افکند، "کینه" حیوانی شاه و اعدا و انظارش و همچنین دشمنی دارو سته " کینه" مرکزی با کفدراسیون نشان است که کفدراسیون در انجام وظائف خود موفقیت داشته و با خطمی صحیح توانسته است خود را با خود همراه و هم آواز سازد و کوشش های دشمنان خلق را در تلاش و انحلال کفدراسیون با شکست مقضضانه ای روبرو گرداند.

صدای کفدراسیون دارای اهمیت فراوانی است و مسوولیت نباید گذاشت خاموش شود. این وظیفه همه نیروهای واقعا مترقی و انقلابی خارج از کشور است که تمام سعی خود را برای حفظ کفدراسیون بکار اندازند، و وظیفه همه نیروهای واقعا مترقی و انقلابی خارج از کشور است که سعی در دشمنان کفدراسیون را برای انحلال آن یا قبضه کردن آن بمنظور تأمین نیت ضد انقلابی خویش عقیم گردانند. وحدت همه سازمان های سیاسی انقلابی خارج از کشور بر سر صیانت و تقویت کفدراسیون بسود خلق های ایران است و هیچ چیز والا تر و برتر از اضافه خلق نیست. وقتی ما از کفدراسیون سخن میگویم به آن مشابه سازمان تودهای میگویم، وقتی از وحدت صحبت میکنیم منظورمان وحدت مطلق، وحدت بهر قیمت نیست. در امر وحدت همیشه باید دید وحدت بر سر چه اهدافی، چه خواست های یا شعارهایی صورت بگیرد، و وحدت را چه منتهی بنی باید حاشه علی خپوشد. بنظر ما دشمنی کفدراسیون و حتی صیانت کفدراسیون برناضای است که میتواند همه سازمان های انقلابی را بدور کفدراسیون گرد آورد. کامیابی های کفدراسیون طی سالهای گذشته شمره پیروزی از همین خط حرکت است، صفحات درخشان تاریخ کفدراسیون محصول اجرای همین خط منی است. در تاریخ حیات کفدراسیون گاه گاه تلاشی برای منحرف ساختن کفدراسیون از این منی صحیح بعمل آمده است. ولی این تلاشها همه بناگامی انجامیده و کفدراسیون در منی صحیح خود همچنان پابرجا مانده است. اکنون بار دیگر کفدراسیون در معرض خطر انحراف از منی ستنی و رژیم زنده خود قرار گرفته است. بار دیگر در برابر منی صحیح کفدراسیون منی جپ روانه ای قرار میگیرد، منی که بدو رنگ ظاهر میکند، یکی میخواهد و میگوید از کفدراسیون، سازمانی پیشاهنگ و حزبی سیاسی بسازد و دیگری میخواهد و میگوید کفدراسیون را به زانده ای از مبارزه" جریکی بدل کند. این خطر اکنون از هر زمان دیگر بزرگتر و جدی تر است. دشمنان کفدراسیون و مقدم بر همه دارو سته " کینه" مرکزی آنرا در این میزنند، آنها با کوششهای مد اوم خود، با وسایل مادی و مالی فراوانی که در اختیار دارند، با امکانات عظیمی که از آنها برخوردارند، با ایجا د تشنت و نفاق در جمع نیروهای انقلابی کفدراسیون را به لب پرگاه سوق داده اند. دشمنی این دارو سته با کفدراسیون بر هیچکس پوشیده نیست. جا دارد نیروهای فعال در کفدراسیون به ایمن واقعیت بیندیشند و بخبال واهی، بوجودیت کفدراسیون رادر مخاطره بیندیشند، این افزاینده مبارزه را از دست مردم میهن ما بگیرند. خط منی جپ روانه بهر شکلی که به تحقق در آید در حکم انحلال کفدراسیون است و رضایت خاطر دشمنان خلق را فراهم میآورد. "تشریح" در تجدید رستی میبویسد "م آورد سته" مرکزی "، اکنون بیش از هر زمان دیگر به توطئه جنبش و تفرقه افکنی جهت ایجاد انشعاب در کفدراسیون بقیه در صفحه ۲

کفدراسیون دانشجویان ایرانی در تاریخ جنبش تودهای میهن ما نقش سیاسی برجسته ای ایفا کرده و بخاطر استقلال شرقی و نیروهای انقلابی را در سراسر جهان بخود جلب کرده است. درخشندگی صفحات تاریخ کفدراسیون مدیون خط منی سیاسی است. نقش کفدراسیون در مبارزه علیه امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و علیه سیاست " ضد خلقی و ضد انقلابی " اتحاد شوروی و دارو سته " کینه" مرکزی، در افشا

## گسترش دامنه مبارزه در ایران

توسعه جنبش دانشجویی در ایران در کنار جنبش کارگری و دهقانی، رژیم شاه را سخت به تکیه انداخته است. اکنون دیگر نمیتوان بر این جنبش ها سربلند گذاشت و با استفاده از سانوسر شدید " کشور در برین" را امن و امان و قرین ثبات و آرامش و انوسر کردن مبارزه علیه رژیم نیکیت بار شاه به تنها خصلت تودهای بخود میگیرد بلکه بیکسرترا، قاطع تر و بمنعمانه تر میگردد. دانشجویان اکنون چنگ ماه است که با مبارزه، قهرمانانه خود نیروهای انضباطی را بستوه آورده اند، پلیس و کارگردانان شاه را که در خارج از کشور بودند و بخشی از دانشجویان را مشروب و مجروح و حتی بقتل میرسانند و تعداد زیادی از آنها را دستگیر میکنند. ولی مبارزه نه تنها قطع نمیشود بلکه برسدن آن همواره می افزاید. رژیم شاه و مطبوعات تنگنیش میگویند مانند همیشه این مبارزه، قهرمانانه را نخطه کنند و آنرا در کنگون جلوه دهند ولی دست و پا زدن رژیم آنرا بیشتر در کردار اب هلاکت فرومی برد. در کنار جنبش دانشجویان اعتصابات کارگران، قطع نمیشود. کارگران میهن ما که در وضع رفت باری زندگی میگردانند و با وجود کرابی نظم نظیر محتاج اولیه زندگی یا مز ناچیزی در ریافت می اندازند به وعده ها و دروغهای شاه و رژیم او امید نمی بندند. آنها برای افزایش دستمزد و بهبود زندگی یا قدرت و قاطعیت بیشتری به اعتصاب دست میزنند و مطالبات خود را به گری می نشانند. کارگران کارخانه خاور رهم ما دست به اعتصاب زدند. اعتصاب قریب سه هفته بطول انجامید. کارگران به منسین کارخانه هشتاد اردند که نباید بشکار حاضر شوند. قاطعیت کارگران کارفرمایان را مجبوره تسلیم ساخت. معادن همین احوال " کارگران معدن وابسته به ذوب آهن واقع در نزدیکی کرمان به اعتصاب دست زدند. ابتدا یک پاسگاه را که در نزدیکی معدن بود حمله سلاح کردند. اعتصاب بعنوان اعتراض به کاهش دستمزد صورت گرفت. قبلانیز کارگران یک معدن وابسته به ذوب آهن در شاهرو بخاطر افزایش دستمزد اعتصاب کرده بودند. در اثر زد بخورد کارگران با پلیس و ژاندارم و همچنین بعلت بیم از گسترش اعتصاب دولت مجبور شد دستمزدها را دوباره کند. " اخبار مبارزه دهقانان بعلت سانوسرندید کثرت خارج در میسند. همین یکی دو ماه پیش دهقانان یک ناحیه رئیس خانه انصاف را آنچنان گوشمالی دادند که مدتی در بیمارستان بستری گردید.

دولت ایران امسال ۴۳ میلیارد دلار درآمد نفت داشت ولی وضع اقتصادی و مادی کشور و مردم بوخامت بیشتری کراید. شاه این پولها را بتمکنت را به حبیب امپریالیست های غارتگر ریخت تا آنها را از بحران رهایی دهد. با صرف خرید مبالغ زیادی اسلحه کورسا فرمان امپریالیسم آمریکا نقش را در اداره منطقه را بازی کند. یک قلم شصت ملیون دلار در یونان خرج کرد برای آنکه شاه یونان را به سلطنت بازگرداند. او در اردون کشورنا بیامانی در تمام زمینه های زندگی اجتماعی از حد فرزون است. شاه و مقامات دولتی در برابر ناسامانی ها تنها بوده و تبلیغات افشا میکنند، توکوئی یا وعده میتوان تولید را افزایش داد. شک های کرسنه را سرتزد، برای مردن میکنی ساخت. رژیم شاه جز نور و اختناق و وعده و تبلیغات چیزی به مردم تحویل نمیدهد. با چنین وضعی توسعه مبارزه مردم علیه رژیم ناکر است و با هیچ وسیله آن نمیتوان جلوگیری کرد. توسل به ترور، شگجه، زندان، اعدام، آتش مبارزه را خاموش نمیکند، آنرا نیز تر و سوزان تر میکند.

مبارزه علیه رژیم شاه اکنون تودهای تراست است، بی کبتر، قاطع تر و مصممانه تراست اما درین حال متضمن اشکال و شیوه های نوینی است. مبارزان انقلابی بر اساس پایگاه سازمان امنیت تجربه اندوخته اند و اکنون برای مقابله با این سازمان آدمکش شیوه های نوین بکار می بندند، فعالیت خود را با حزم و احتیاط بیشتر، بقیه در صفحه ۲

## باز هم درباره مسئله دهقانی

مسئله دهقانی در ایران مسئله بسیار مهمی است. هیچ سازمان سیاسی جدی و سازمانی که واقعا دینی تغییر بنیاد و جامعه ایران است - و این تغییر ناگزیر از سرنوشتی رژیم شاه و سلطنت میگردد - نمیتواند این مسئله را هراندازه هم که شناخت و حل آن دشوار باشد، در بونه فراموشی بگذارد. دلیل آنهم معلوم است. دهقانان اکثریت عظیم جمعیت میهن ما را تشکیل میدهند. بدون تحمیز و تشکل این توده عظیم و کشاندن آن مبارزه همچگونه تغییر بنیادی در جامعه ما امکان پذیر نیست. برای آنکه بتوان دهقانان را بسیج کرد، متشکل ساخت و مبارزه کشاند، باید قبل از هر چیز مطالبات دهقانان را شناخت و شعارهای مناسبی بر اساس این مطالبات تدوین کرد و این شعارها را بدرون دهقانان برد. راه دیگری بر آن تصور نیست. البته اگر امکان تحقیق در نتایج " اصلاحات ارضی" وجود میداشت و اگر عناصر انقلابی میتوانستند بدرون ده راه داشته باشند و در بدل دهقانان را بشنوند، شناخت مطالبات دهقانان کاری در حیطه امکان بود. اما شاه که از نتایج " اصلاحات ارضی" آگاه است برای جلوگیری از هرگونه شناختی در روستای ایران، راه روستا را بر عناصر انقلابی بسته است. آمار و ارقامی که رژیم شاه در " اصلاحات ارضی" بدست میدهد مذکور و متضاد و گمراه کننده است. هدف نیز ایجاد سردر گمی و گمراهی است. همین که شاه و رژیم او در جلو گیری از

شناخت روستای ایران پس از " اصلاحات ارضی" اصرار میورزند، دلیلی است بر آنکه به نتایج این اصلاحات آنگونه که مقاصد متسئون میبمانند. باید با دیده " نزدیک نگریست" اطلاعاتی جست که خسته ای که از اینجا و آنجا بگوش میرسد یا جشمپنجور این شک و تردید را قوت می بخشد. ولی آیا این تردید به معنی آنست که بر اثر " اصلاحات ارضی" هیچ تغییر در روستای ایران صورت نیذیرفته و وضع مالکیت در روستای ایران همان است که قبل از " اصلاحات ارضی" بود؟ چنین دیدی از " اصلاحات ارضی" از ریشه نادرست است و تصور نیروود هیچ کس و کمتر از همه سازمان ما گرفتار جنبش بندار واهی باشد. سازمان ما از همان آغاز تا " سمیر خود بر آن بود که " هدفی اساسی اصلاح ارضی جلوگیری از انقلاب دهقانی... ایجا د قشری از دهقانان مرفه در روستای ایران است که باید از رژیم شاه پشتیبانی کند. با اصلاح ارضی، شاه در عین حال تلاش میکند مالکان ارضی را در راه تولید شرمایه اری سوق دهد. اما کمی پایین تر نتیجه میگرد که " علی رغم " انقلاب " سفید" شاه، رفهر ارضی را بیگال یا انقلاب ارضی دهقانی، کامکان در بر نامه احزاب انقلابی باقی میماند و فقط جنبش انقلابی میتواند زمین را بر لیکان صان دهقانان تقسیم کند" و هنوز هم بر این نظر باقی است. ( " وظائف فوری و مبرم مارکسیست" لنینیست های ایران " توقان شماره ۴ / ۱۹۶۷ ) بنا بر این سخن بر سر این نیست که آیا " اصلاحات ارضی" شاه در روستای ایران در کوششهای بقیه در صفحه ۲

## موفق باد جنبش دانشجویان ایران!

گسترش یافته مبارزه، بقیه ارضه؟<sup>۱</sup> و البته که نشانیه  
 با مراعات بیشتر پنهان کاری سازمان می دهند.  
 حواد شاهای اخیر که علی رقم تلاش سازمان امنیت وقوع پیوسته و می پیوندند، موفقیت های کهدر کار مبارزه بدست آمده حاکی  
 از توانایی روزافزون نیروهای انقلابی و توانایی دستگاه عریض و طویل سازمان امنیت است و بدین شکل عدم توازن همواره بیشتر  
 بسود نیروهای انقلابی خواهد چربید. جز اینهم نمیتواند باشد. مبارزان انقلابی در آغاز، شیوه های مقابله با سازمان امنیت را  
 نیافته بودند گاهی متوکل اشتباهاتی گردیدند که ناشی از دل آسودگی و عدم توجه به فواید مبارزه در شرایط بحری بود. در نتیجه  
 مبارزان با ارزشی از نیروهای انقلابی زنده شد. اما آنها نوازش کار را باز نداشتند و از اشتباهات درس گرفتند و مبارزه را با استواری و  
 اطمینان بیشتر ادامه دادند و در هم اکنون ادامه میدهند. سازمان امنیت هنوز نمیتواند اینجا و آنجا با توسل به شیوه های وحشیانه  
 برپایه های از مبارزان دست یابد ولی از تقویت نیروهای انقلابی و توسعه دامنه مبارزه نخواهد توانست جلوگیری کند. البته این به  
 آن معنی نیست که از سازمان امنیت دیگر کاری ساخته نیست و باید آنرا نادیده انگاشت برعکس باید آنرا جدی گرفت و با هوشیاری  
 عمل کرد. مبارزه با سازمان امنیت در این مبارزه است و در این مبارزه سازمان علیه نیروهای سازمان امنیت - پیروزی از آن انقلابی است.  
 این قانون مبارزه است، قانونی که هیچ نیرویی هراندازه توانا و مقتدر و مکار و حیله گر نباشد قادر به جلوگیری از عمل آن نیست.  
 مبارزه، مبارزه ها علیه رژیم شاه هر روز دامنه و شدت بیشتری میگیرد. توده های مردم برانداختن رژیم موجود را با کوشش و دست  
 خود احساس میکنند. در حال حاضر مهم آنقدر تبلیغ سرنگونی نیست که سازمان دادن مبارزه ها است، سازمان دادن آنجا  
 مبارزه متشکی که سرنگونی رژیم شاه را بدینسان داشته باشد. سازمان دادن مبارزه و رهبری صحیح این مبارزه کارحزب  
 طبقه کارگر است، حزبی که فقدان آن در ایران بچشم میخورد. وظیفه احیا حزب طبقه کارگر مقتدرترین وظیفه مبارزانه است -  
 لنینیست ها و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی است. اعضای سازمان مادر هرکجا هستند باید بیش از پیش به این وظیفه پیوسته  
 و در اجرای آن از هیچ کوششی باز نمانند. تمام ابتکارات و وسائل خود را بکار اندازند. تحقق در این مسئله و درک عمیق آن در دران  
 اهمیت آن بقیع نیروی تازماری در حال آن ما خواهد بخشید.

باز هم درباره... بقیه ارضه؟<sup>۱</sup> ایجاد کرده است یانه  
 سخن بر سر سرنگونی این درگرونیها است.  
 تا آنجا که از نثریات سازمانهای سیاسی ایران بر می  
 آید از "جبهه ملی" گرفته تا "سازمانهای مارکسیست - لنینیست"  
 همه این سازمانها برآنند که علی رقم "اصلاحات ارضی" و  
 درگرونیهای ناشی از آن روابط تولید در روستای ایران هم -  
 چنان نیمه فئودالی است و انقلاب دموکراتیک باید بدان خاتمه  
 بخشد.  
 اما نشریه "سری تحقیقات روستائی" نوشته "چرخه  
 فدائی خلق برعکس بر این نظر است که "اجرای قوانین سه  
 اصطلاح" انقلاب سفید "درگرونیهای اساسی در شهر روستا  
 ایران بوجود آورد. در روستا اساسا روابط تولید فئودالی  
 را از بین برد" (ص ۱۷) (تکیه از ما است)  
 این نتیجه گیری بر اساس چه مقدماتی بعمل آمده معلوم نیست.  
 سراسر این نشریه نیز در تناقض با این حکم است:  
 ۱- این روستا در نشریه خود همه جا از غیر قابل  
 اعتماد بودن آمارهای دولتی یاد کرده اند: "مسئله اینست  
 که از روی آمارها و اسناد دولتی و غیره نمیتوان روابط تولیدی  
 را که فعلا در روستاها حاکم است کشف کرد چون کلمات در  
 عمل معنی دیگری یافته اند" (ص ۱۵)؛ "روشن است که  
 آمار دولتی قابل اعتماد نیست و آمارهای رسمی و غیر رسمی در  
 هم در این باره وجود ندارد. شاید بتوان گفت که بهترین  
 اطلاعات ترین این مورد در اختیار وزارت تعاون و امور روستاها  
 است که شکل سری و مخفی دارد" (ص ۹)؛ "آمار دولتی  
 قابل اعتماد نیست، اطلاعات وزارت تعاون و امور روستاها  
 هم که سری و مخفی است تازه آنچه با واقعیت تطبیق نمیکند  
 اما راه دیگری هم در این مورد در دست نیست. پس تنها راه  
 چاره اینست که همان آمار دولتی را از روی مشاهده عینی  
 تصحیح نمود" (مشاهده چند ده روستا از جمع تقریباً ۵  
 هزار روستا - نوفان)؛ البته رقم هایی که از اینراه بدست  
 میاید ناقت زیادی ندارد" (ص ۹)؛  
 خوب اگر آمارها و اسناد دولتی و غیره که فعلا  
 یگانه منبع شناخت ما در باره نتایج اصلاحات ارضی است قابل  
 اعتماد نمیباشند و اگر از روی این آمار و اسناد دولتی وضی  
 نمیتوان روابط تولیدی را که فعلا در روستاها حاکم است کشف  
 کرد، آنگاه چگونه میتوان این حکم مسلم را داد که انقلاب  
 سفید "در روستا اساسا روابط تولیدی فئودالی را از بین برد"  
 ۲- خود این دوستان از وجود کانونهای نیمه فئودالی  
 در روستای ایران وجود و وجود "مهم بری" همقاتان صحبت میکنند.  
 نشریه "سری تحقیقات روستائی" (شماره ۱) در آنجا که  
 از مرحله سوم یعنی آخرین مرحله اصلاحات ارضی سخن میراند  
 می نویسد: "در نتیجه این روشها و شیوه های  
 مبارزه با اینها قانون مرحله سوم در اسفند ماه ۳۴ تصویب  
 رسید با این حال اکنون پس از سالها هنوز اجرائی آن پایان نیافته  
 و روستاهای گوناگونی را میتوان یافت که در محله سوم در آنجا اجراء شده  
 (ص ۶۷-۶۸) (تکیه از ما - نوفان)؛ یادآوری میشود که هر کس  
 میبایست املاک اجارهای را که مرحله دوم باقی گذاشته بود از زمین

بهرد. به نوشته همین نشریه در مرحله دوم "رضی کمالا ک را از  
 اربابان اجارمکردند ۱۸۰۰۰ نفر (۵۴۵۰۰ نفر) بودند یعنی  
 سکه ای برابر ۶ میلیون نفر. اگر در مرحله سوم "روستا های  
 کمی را میتوان یافت که مرحله سوم در آنها اجرا شده باشد"  
 در اینصورت راضی که املاک را از اربابان اجاره کرده اند و  
 تعداد آنان ۲۳ / ۱ میلیون نفر است کماکان بهره مالکانه  
 به ارباب پیروزند. این رقم رقم کوچکی نیست که بتوان  
 آنرا بیکیار از قلم انداخت.  
 در صفحه ۷۰ بر سری ارقام نتیجه میگرد: یعنی  
 هنوز که هنوز است مرحله اول کمالا اجرا شده چه رسد به  
 مرحله دوم و بویژه مرحله سوم.  
 در نشریه "سری تحقیقات روستائی" در کرمان (آب)  
 کرمان استثنائی است؟ - نوفان) از گروه روستاهای سخن  
 بیان میاید که "از بعد فئودالی ترستند"؛ "در این  
 روستاها... در آن قسمت از زمینها و روستاها که به ارباب تعلق گرفته  
 هنوز هم روابط سهم بری برقرار است یعنی کشاورزان این زمین  
 را میگردند و محصول را بین خود و ارباب به نسبت ۱ و ۳،  
 تقسیم میکنند. روستاهایی که قبل از "اصلاحات ارضی" خرد  
 مالکی بوده اند "همان صورت باقی مانده اند و روابط تولید  
 آنها همانطور فئودالی است" (ص ۵)  
 در صفحه ۸۷ (نشریه ۱) البته باز مالکانی  
 هستند که هنوز نیمه فئودال اند و روابط فئودالی را بشکلی  
 حفظ میکنند.  
 در صفحه ۱۱۲ در مورد باغ ها: "در باغ ها روابط  
 تولید بیشتر رنگوبوی فئودالی دارد و مالکان باغ ها و کشاور  
 زانی که در این بناها کار میکنند بیشتر خصوصیات ارباب -  
 رعیتی خود را حفظ کرده اند."  
 خوب، اگر روابط تولید فئودالی در روستاهای ایران  
 دارای آنچنان وسعتی است که از عبارات فوق بر میآید چگونه  
 بیکیار میتوان آنرا بدست فراموشی سپرد و برخلاف آن مدعی  
 شد که "انقلاب سفید" در روستا اساسا روابط تولید فئودالی  
 را از بین برد؟  
 نشریه شماره ۱ "سری تحقیقات روستائی" پس از ادای  
 توضیحات و پس از رسیدن به این حکم که اساسا روابط تولیدی  
 فئودالی از روستا بر افتاده است هیچ شماری یا رهنمودی  
 برای فعالیت انقلابی بخاطر متشکل ساختن دهقانان بدست  
 ندهد و فقط به این عبارت اکتفا میشود که "این دیگر بر عهد  
 روشنفکران انقلابی و کارگران آگاه است (چراغ دهقانان آگاه؟  
 نوفان) که با توجه به تحلیل شرایط مشخص عینی و ذهنی  
 آنان بر اساس تجربیات توده های انقلابی پیشرو (؟) عمل  
 برای تشکیک و سازمان مبارزه در روستا اقدام کنند" (ص ۱۰)  
 این وظیفه کمی که احتیاج به شناختن نتایج "اصلاحات  
 ارضی" نداشت، در هر شرایطی و در هر اوضاع و احوالی در  
 هر زمینه که توده های باید برای فعالیت "شرایط مشخص عینی  
 و ذهنی" را تحلیل کرد. این وظیفه برای زمان قبل از اصلاحات  
 ارضی - و بعد از آن - اهم از اینک روابط تولید فئودالی  
 باشد یا سرمایه داری صادق است. در اینصورت چه نیازی

بهرد... بقیه ارضه؟<sup>۱</sup> ایجاد کرده است یانه  
 سخن بر سر سرنگونی این درگرونیها است.  
 تا آنجا که از نثریات سازمانهای سیاسی ایران بر می  
 آید از "جبهه ملی" گرفته تا "سازمانهای مارکسیست - لنینیست"  
 همه این سازمانها برآنند که علی رقم "اصلاحات ارضی" و  
 درگرونیهای ناشی از آن روابط تولید در روستای ایران هم -  
 چنان نیمه فئودالی است و انقلاب دموکراتیک باید بدان خاتمه  
 بخشد.  
 اما نشریه "سری تحقیقات روستائی" نوشته "چرخه  
 فدائی خلق برعکس بر این نظر است که "اجرای قوانین سه  
 اصطلاح" انقلاب سفید "درگرونیهای اساسی در شهر روستا  
 ایران بوجود آورد. در روستا اساسا روابط تولید فئودالی  
 را از بین برد" (ص ۱۷) (تکیه از ما است)  
 این نتیجه گیری بر اساس چه مقدماتی بعمل آمده معلوم نیست.  
 سراسر این نشریه نیز در تناقض با این حکم است:  
 ۱- این روستا در نشریه خود همه جا از غیر قابل  
 اعتماد بودن آمارهای دولتی یاد کرده اند: "مسئله اینست  
 که از روی آمارها و اسناد دولتی و غیره نمیتوان روابط تولیدی  
 را که فعلا در روستاها حاکم است کشف کرد چون کلمات در  
 عمل معنی دیگری یافته اند" (ص ۱۵)؛ "روشن است که  
 آمار دولتی قابل اعتماد نیست و آمارهای رسمی و غیر رسمی در  
 هم در این باره وجود ندارد. شاید بتوان گفت که بهترین  
 اطلاعات ترین این مورد در اختیار وزارت تعاون و امور روستاها  
 است که شکل سری و مخفی دارد" (ص ۹)؛ "آمار دولتی  
 قابل اعتماد نیست، اطلاعات وزارت تعاون و امور روستاها  
 هم که سری و مخفی است تازه آنچه با واقعیت تطبیق نمیکند  
 اما راه دیگری هم در این مورد در دست نیست. پس تنها راه  
 چاره اینست که همان آمار دولتی را از روی مشاهده عینی  
 تصحیح نمود" (مشاهده چند ده روستا از جمع تقریباً ۵  
 هزار روستا - نوفان)؛ البته رقم هایی که از اینراه بدست  
 میاید ناقت زیادی ندارد" (ص ۹)؛  
 خوب اگر آمارها و اسناد دولتی و غیره که فعلا  
 یگانه منبع شناخت ما در باره نتایج اصلاحات ارضی است قابل  
 اعتماد نمیباشند و اگر از روی این آمار و اسناد دولتی وضی  
 نمیتوان روابط تولیدی را که فعلا در روستاها حاکم است کشف  
 کرد، آنگاه چگونه میتوان این حکم مسلم را داد که انقلاب  
 سفید "در روستا اساسا روابط تولیدی فئودالی را از بین برد"  
 ۲- خود این دوستان از وجود کانونهای نیمه فئودالی  
 در روستای ایران وجود و وجود "مهم بری" همقاتان صحبت میکنند.  
 نشریه "سری تحقیقات روستائی" (شماره ۱) در آنجا که  
 از مرحله سوم یعنی آخرین مرحله اصلاحات ارضی سخن میراند  
 می نویسد: "در نتیجه این روشها و شیوه های  
 مبارزه با اینها قانون مرحله سوم در اسفند ماه ۳۴ تصویب  
 رسید با این حال اکنون پس از سالها هنوز اجرائی آن پایان نیافته  
 و روستاهای گوناگونی را میتوان یافت که در محله سوم در آنجا اجراء شده  
 (ص ۶۷-۶۸) (تکیه از ما - نوفان)؛ یادآوری میشود که هر کس  
 میبایست املاک اجارهای را که مرحله دوم باقی گذاشته بود از زمین

**نشریه شماره ۴۱**  
 شته در مبارزه با ریزیزوئیسیم  
 احف قاسی  
 از چاپ خارج شد  
 به بررسی "اصلاحات ارضی" شاه بود؟ وانگی "توده های  
 انقلابی پیشرو" چه معنی دارد؟ "تجربیات توده های انقلابی  
 پیشرو" چگونه تجربیاتی است؟ در واقع بازم تحلیل شرایط  
 مشخص عینی و ذهنی و آموختن "تجربیات توده های انقلابی  
 پیشرو" بر عهد "روشنفکر انقلابی و کارگر آگاه گذاشته میشود  
 و "سری تحقیقات روستائی" خود هیچ رهنمودی تعیین نمیکند  
 لایه باز هم عدم درک مارا از این مسائل بخساب دور  
 بودن از جامعه ایران وعدم آشنائی به اوضاع کشور خواهند  
 که ارد. آیا درست است که جنبش خارج از کشور به اوضاع  
 ایران آشنا نیست؟

بهرد... بقیه ارضه؟<sup>۱</sup> ایجاد کرده است یانه  
 سخن بر سر سرنگونی این درگرونیها است.  
 تا آنجا که از نثریات سازمانهای سیاسی ایران بر می  
 آید از "جبهه ملی" گرفته تا "سازمانهای مارکسیست - لنینیست"  
 همه این سازمانها برآنند که علی رقم "اصلاحات ارضی" و  
 درگرونیهای ناشی از آن روابط تولید در روستای ایران هم -  
 چنان نیمه فئودالی است و انقلاب دموکراتیک باید بدان خاتمه  
 بخشد.  
 اما نشریه "سری تحقیقات روستائی" نوشته "چرخه  
 فدائی خلق برعکس بر این نظر است که "اجرای قوانین سه  
 اصطلاح" انقلاب سفید "درگرونیهای اساسی در شهر روستا  
 ایران بوجود آورد. در روستا اساسا روابط تولید فئودالی  
 را از بین برد" (ص ۱۷) (تکیه از ما است)  
 این نتیجه گیری بر اساس چه مقدماتی بعمل آمده معلوم نیست.  
 سراسر این نشریه نیز در تناقض با این حکم است:  
 ۱- این روستا در نشریه خود همه جا از غیر قابل  
 اعتماد بودن آمارهای دولتی یاد کرده اند: "مسئله اینست  
 که از روی آمارها و اسناد دولتی و غیره نمیتوان روابط تولیدی  
 را که فعلا در روستاها حاکم است کشف کرد چون کلمات در  
 عمل معنی دیگری یافته اند" (ص ۱۵)؛ "روشن است که  
 آمار دولتی قابل اعتماد نیست و آمارهای رسمی و غیر رسمی در  
 هم در این باره وجود ندارد. شاید بتوان گفت که بهترین  
 اطلاعات ترین این مورد در اختیار وزارت تعاون و امور روستاها  
 است که شکل سری و مخفی دارد" (ص ۹)؛ "آمار دولتی  
 قابل اعتماد نیست، اطلاعات وزارت تعاون و امور روستاها  
 هم که سری و مخفی است تازه آنچه با واقعیت تطبیق نمیکند  
 اما راه دیگری هم در این مورد در دست نیست. پس تنها راه  
 چاره اینست که همان آمار دولتی را از روی مشاهده عینی  
 تصحیح نمود" (مشاهده چند ده روستا از جمع تقریباً ۵  
 هزار روستا - نوفان)؛ البته رقم هایی که از اینراه بدست  
 میاید ناقت زیادی ندارد" (ص ۹)؛  
 خوب اگر آمارها و اسناد دولتی و غیره که فعلا  
 یگانه منبع شناخت ما در باره نتایج اصلاحات ارضی است قابل  
 اعتماد نمیباشند و اگر از روی این آمار و اسناد دولتی وضی  
 نمیتوان روابط تولیدی را که فعلا در روستاها حاکم است کشف  
 کرد، آنگاه چگونه میتوان این حکم مسلم را داد که انقلاب  
 سفید "در روستا اساسا روابط تولیدی فئودالی را از بین برد"  
 ۲- خود این دوستان از وجود کانونهای نیمه فئودالی  
 در روستای ایران وجود و وجود "مهم بری" همقاتان صحبت میکنند.  
 نشریه "سری تحقیقات روستائی" (شماره ۱) در آنجا که  
 از مرحله سوم یعنی آخرین مرحله اصلاحات ارضی سخن میراند  
 می نویسد: "در نتیجه این روشها و شیوه های  
 مبارزه با اینها قانون مرحله سوم در اسفند ماه ۳۴ تصویب  
 رسید با این حال اکنون پس از سالها هنوز اجرائی آن پایان نیافته  
 و روستاهای گوناگونی را میتوان یافت که در محله سوم در آنجا اجراء شده  
 (ص ۶۷-۶۸) (تکیه از ما - نوفان)؛ یادآوری میشود که هر کس  
 میبایست املاک اجارهای را که مرحله دوم باقی گذاشته بود از زمین





### پنج سال کودتا پنج سال جنگ توده‌ای

پنج سال از کودتای ۱۸ مارس آمریکا در کامبوج میگذرد. آمریکا با این کودتا عامل سرسپرده خود لئون تول را بر سرکار آورد تا با تبدیل این کشور به نیمه مستعمره خود پایگاه دیگری در تجاوز به خلق های جنوب شرقی آسیا بخصوص هندوچین بوجود آورد. خلق دلیر کامبوج بخاطر دفاع از استقلال ملی خود در ۲۳ مارس جبهه متحد ملی کامبوج را بوجود آورده و تحت رهبری این جبهه دست به مبارزاتی بی امان و طولانی علیه گروه لئون تول و اربابان آمریکاییش زد. اکنون پس از پنج سال مبارزه توده‌ای پیش از نور رعد کشور بدست نیروهای آزادی بخش افتاده است. و آنچه شرایط برای نیروهای دشمن و گروه لئون تول در پایتخت دشوار گردیده که در واقع حکومت کودتا با فرار خود مقامات آمریکائی حتی با کمک دلار و اسلحه آمریکا نمیتواند بیش از چند هفته‌ای در مقابل خلسه مقاومت نماید.

از اوایل ژانویه اسامال محاصره و حمله به فوم پن شروع شد. تمام راه های شوسه بدست سربازان ارتش سرخ افتاد. این بار برخلاف بار اول (ژانویه ۱۹۷۳) برای آمریکا دیگر سکن نیست از راه آبی اسلحه و مهمات و مواد غذایی به فوم پن برسانند. ظرف دو ماه گذشته آمریکا فقط توانست سه کشتی کمک نظامی و غذائی از راه آبی به فوم پن برساند. بقیه کشتی ها یا مجبور به بازگشت شدند و یا در آبهای رودخانه فرورفتند. در این دو ماه قریب بیست کشتی آمریکا در اثر حمله ارتش سرخ از راه آبی از طریق این فرودگاه به فوم پن منتقل شده اند. اکنون کمک نظامی و غذائی آمریکا به دارودسته لئون تول در فوم پن فقط از راه هوایی انجام میگردد. آنهاست تحت شرایط بسیار دشوار زیرا فرودگاه فوم پن مدام تحت حمله راکت های ارتش سرخ قرار دارد. آمریکا روزانه نزدیک به هزار تن مهمات نظامی و مقادیر بسیار مواد غذایی از طریق این فرودگاه به فوم پن میرساند. نیروهای خلق موفق شده اند پیشروی خود را تا نزدیکی فرودگاه ادامه دهند. روز جمعه ۲۸ فوریه ارتش سرخ موفق گردید مرکز نظامی و دفاعی باند فرودگاه را از دست نیروهای دشمن خارج ساخته و نتیجتاً موقعیت بسیار مناسبی در محله بسه فرودگاه کسب نماید.

مبارزات اقرار و طبقات مختلف خلق آنچنان با مبارزات جبهه آزادی بخش در آمیخته که حکومت لئون تول چند صباحی بیشتر نمیتواند سرکند. در پایتخت کوشش های دارودسته لئون تول با مقابله تمام مردم حتی سربازان رزروست و افرادی که بزور بسزاری گرفته شده اند تا شاید حکومت لئون تول چند روزی بیشتر سرکار بماند. علیه حکومت برخاسته اند؛ از میان سربازان گروهی از ورود به ارتش سرخ میگردند، گروهی حاضر جنگ در جبهه نیستند و بسیاری نیز به مناطق آزاد شده فرار میکنند. در ۱۴ ژانویه سیصد سرباز ارتش پوشالی در تاخاما و در نزدیکی فوم پن دست بنظا هرات زدند که حاضر بمرگ به خاطر لئون تول خائن نیستند. روز بعد ۱۵ ژانویه یک گردان از لشکر سوم ارتش پوشالی بصورت جمعی از رفتن جبهه جنگ خود داری نمود. در ۱۳ ژانویه یک گردان در فوم پن و در ۱۶ ژانویه یک گردان جزایر در پوخن تنگ دست به شورش زدند. خلق کامبوج در مبارزه خود موفق گردیده است بخش عظیمی از نیروهای دشمن را از پای در آورده و با محاصره بیشتر فوم پن بخش دیگر را فاقد تحرک نظامی نماید؛ بسیاری از وسایل و مراکز نظامی دشمن را بتصرف در آورده و با انهدن برده دشمن. روز بروز به ناپودی کامل نزدیک میسازد. در فوم پن ترس آنچنان بر ارجاع حاکم مسئول است که بسیاری از خارجی ها و کارکنان آمریکائی بدست به ترک فوم پن میزنند. در این میان امپریالیسم آمریکا بحسب کوشیده است که حکومت پوشالی وابسته بخود، دارودسته لئون تول را بر سر پا نگه دارد. چهار هزار کارشناس نظامی بقیه در صفحه ۳

## امپریالیسم شوروی و «تقسیم بین المللی کار»

در کنار مواد خام تغییر نیافته، آهنیا، نیم ساخته نیز صادرکنند این امر موجب صرفه جویی در قیمت حمل و نقل میگردد و درآمد کشورهای در حال رشد را از صادرات افزایش میدهد. در کشورهای سوسیالیستی برعکس میتوان از این طریق صرفه جویی کرد که در آنها از موسساتی که به کار تبدیل اولیه مواد خام وارداتی می پردازند، موسساتی که در شرایط استروگور اقتصاد این کشورها سود کثرتی بدست میدهند صرف نظر کرد. از این نقطه نظر بویژه مناسب است که کشورهای سوسیالیستی صادرات و قبل از هر چیزی صادرات آن موسسات و آن تجهیزات را در کشورهای در حال رشد توسعه دهند، که بکار افتادن آنها امکانات تازه تری برای آن فرآورده های ایجاد میکند که مورد علاقه کشورهای سوسیالیستی است.

بدینسان کشور سوسیالیستی شوروی کشورهای در حال رشد را بشمول «الطاف و مراحم» خود میکند و به آنها توصیه مینماید که ۱- از تخصصی که در طول تاریخ برای تولید مواد خام و ماتریال های معین نصب آنان شده غافل نشاندند؛ ۲- تولیدات آنها نیم ساخته را به آنها وامیگرداند و آنها هم به این نیت که بنیه صنعتی کشور کم رشد را تقویت کند، بلکه با این علت که ایجاد چنین موسساتی در کشور سوسیالیستی سودآور نیست و لذا بار آنها بیشتر است بر دوش کشورهای کم رشد گذاشت؛ و به همین جهت کشور شوروی ۳- مقدم بر هر چیز آن موسسات و آن تجهیزات را صادر میکند که بکار افتادن آنها نیاز کشور شوروی را برآورد و نه آنکه به اقتصاد عقب مانده کشورهای در حال رشد کمک رسانند. بدین ترتیب امپریالیسم شوروی در فروش کارخانه ها و تجهیزات قابل ازشه «منافع خود» میندیشد و نه به رشد اقتصادی کشورهای کم رشد.

روشن است که سیاست امپریالیسم شوروی مانند هر امپریالیسم دیگر اینست که کشورهای کم رشد را همچنان عقب مانده نگاه دارد و آنها را به زنده خویش تبدیل کند. و زنده ای که منبع مواد خام یا مواد نیم ساخته است بعبارت دیگر امپریالیسم شوروی مانند هر امپریالیسم دیگر هوادار تقسیم بین المللی کار به شیوه امپریالیستی و وابستگی هر چه بیشتر کشورهای کم رشد به اتحاد شوروی است و در عمل این کارمینه شاید اتحاد شوروی در حال

تقسیم بین المللی کار از خصوصیات امپریالیسم است که بنا بر آن در تولید جهانی سهم شتی کشورهای صنعتی تولید محصولات صنعتی است زیرا که آنها تمام نیروی و مسائل لازم برای تولید این محصولات و امکان رشد و تکامل آنها را در اختیار دارند و سهم کشورهای کم رشد که فاقد نیرو و مسائل لازم و فاقد تجربه و کارکنان متخصص اند، تولید مواد خام و اولیه صنعتی و کشاورزی است. این تقسیم کار بر روی است برقرارش و همچنان ادامه دارد. و نتیجه چنین تقسیم کاری در سطح بین المللی مبادلات نا برابر میان مواد خام و اولیه ایزان محصولات صنعتی گران، غارت ثروت و ستروزی اکثریت خلق ها جهان توسط شتی کشورهای امپریالیستی، فقر و گرسنگی و عقب ماندگی این خلق ها است.

البته در دنیای امروز برای امپریالیسم دشوار است اگر کشورهای جهان راه تولید مواد خام و اولیه صنعتی و کشاورزی محکوم کند. امپریالیسم به ظاهر اینجام و آنجا تولید پارامی محصولات صنعتی و بویژه محصولات صنعتی سبک را با این کشورهای اولیه ارد و در کار آن برای برخی از شعب تولیدی، صنایع «مونتاز» اثر میکند که در واقع چیزی جز شعبه های صنایع امپریالیستی در کشورهای کم رشد نیست. امپریالیسم ظاهر کشورهای کم رشد را «صنعتی» میکند ولی کرکثر این صنایع در دست امپریالیسم وابسته به خواست و اراده امپریالیسم باقی مینماند؛ کافی است از صدور قطعات اساسی، مواد اولیه لازم و نیز قطعات یدکی سرپا زد و برای آنکه صنایع کشور کم رشد بیکبار دستخوش رگزد کرد. بدین ترتیب حتی با ایجاد صنایع در کشورهای کم رشد وابستگی این کشورها به امپریالیسم تخفیف نمی یابد که فزونی میگردد. تقسیم بین المللی کار بشکل تازه ای حفظ میشود. از امپریالیسم انتظاری جز این هم نمیتوان داشت. چنین است تقسیم بین المللی کار در دنیای امپریالیسم

آیا اتحاد شوروی جز این میندیشد و عمل میکند؟ بهیچوجه باز هم به منابع شوروی مراجعه کنیم. کاسینک نخست وزیر شوروی در سخنرانی خود در کنگره ۲۳ حزب «کمونیست» اتحاد شوروی در مورد همکاری با کشورها کم رشد چنین گفت: اتحاد شوروی امکانات بیشتری برای این همکاری فراهم میآورد تا آنها (کشورهای کم رشد) برتری بین المللی کار را بطور وسیع مورد استفاده قرار دهند. ما میتوانیم گالاهای سنتی این کشورها، بنیه، پشم، پوست، مواد کانی، فلزات و نئیک، روغن نباتی، میوه، قهوه، بندهای کاکائو، جای پرواز خاگرد، بگروه چنین گالاهای حاضر آماده - را بمقدار روز افزونی خریداری کنیم (تکیه از ما است - توقان).

بر این سیاهه میتوان رفت و گاز را نیز افزود. می بینید که نخست وزیر شوروی از برتری تقسیم بین المللی کار صحبت میکند که در نتیجه آن کشورهای کم رشد مواد خام و اولیه، گالاهای سنتی، به کشور شوروی میدهند و در ازای محصولات صنعتی تحویل میگردند و جناب ایشان بر کشورهای کم رشد منت مینهد که خریدار گالاهای سنتی این کشورها بمقدار روز افزون است.

اکنون به مستخرج زیر از مقاله «همکاری اقتصادی میان دولتهای سوسیالیستی و کشورهای در حال رشد» توجه کنید. (مقاله مجله شوروی «خلق های آمریکا و آسیا» شماره ۴۴ (۱۹۶۸). نویسنده پس از آنکه به کشورهای کم رشد ند امید هد ۳٪ تخصصی که برای تولید مواد خام و ماتریال های معین در طول تاریخ بوجود آمده استفاده کند «میتواند» این کشورهای باید

### سربازان شاه

#### از اجرای اوامر سر باز می زنند

بظری که مجله «لبنانی» الهدف» در شماره ۲۸۵ خورمخ ۱۱/۱۱/۷۵ مینویسد فرماندهان ایرانی ۱۶۰ سرباز و افسر از نیروهای خود را بسبب سرپیچی از ادامه جنگ و اولی فرماندهان دستگیر ساخته و برای محاکمه به تهران فرستادند. زمانه اران مزه روز عان مقرر داشته اند که بهتر سرباز مزه روز که در جنگ شرکت کند مبلغ ۱۰۰ ریال سعیدی (یا ۱۵۰ لیره استرلینگ) جایزه داده میشود زیرا سربازان از رفتن به منطقه غربی امتناع میورزند.

### جعل سند

دارودسته کمیته مرکزی در مبارزه با سازمان تسوفان واقعا دست تنگ است. او در نوشته های سازمان تسوفان هیچ نقطه ضعفی نمی یابد و ناچار در مبارزه خود به خنده و نیرنگ توسل میشود، به جعل سند دست میزند و در نظر نیکوگرد که اگر با خنده و نیرنگ و جعل اسناد بتوان حقیقت فائق آمد، دوران نیروهای سیاه رفیکار هرگز سپری نمیکردید. نشریه «مردم» در شماره آبان ماه ۱۳۵۴ خود از شماره ۲۱ توقان مورخ فروردین ۱۳۴۵ (۱۴) مقاله ای تحت عنوان «یورش تازه» نقل کرده است و حال آنکه شماره ۱ ارگان سازمان مارکسیستی - لنینیستی توقان مقاله ای تحت این عنوان دارد و نه متضمن مطالبی است که نشریه «مردم» آورده است. خوانندگان با مراجعه به شماره ۲۱ ارگان سازمان ما به صحت این مطلب پی برند.

در فروردین ۱۳۴۵ اساساً سازمانی بنام سازمان توقان وجود نداشت و بنابراین ارگان انتشار شماره ۲۱ ارگان آن در زمره محالات است. اما دارودسته کمیته مرکزی را چه باک! این نغلیان نیز مانند سازمان امنیت شاه سازمان توقان را هدف گرفته اند، برای نیل به این هدف از هیچ وسیله ای روی گردان نیستند.

ما به این آقایان امپرونیست جاعل رفیکار یاد آوری میکنیم که سازمان توقان در تیر ۱۳۴۶ یا بحر صه وجود نداشته و شماره ۲۱ ارگان آن نه در فروردین ۱۳۴۵ بلکه در اردیبهشت ۱۳۴۸ انتشار یافته است. در این تاریخ مسئله کسی بنام حکمت جو طلق در میان نبود تا سازمان در ارگان خود مقاله ای بوی اختصار دهد. در او در نوشته کمیته مرکزی با جعل مقالاتی بنام سازمان توقان چه نتیجه ای می خواهد بگیرد؟ آیا این جعلیات دلیل آن نیست که این دارودسته در مبارزه با سازمان توقان «گمیش لنگ» است؟

## پیروز باد مبارزه دلیرانه خلق های هندوچین